

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز  
۱۷ فبروری ۲۰۱۷

## به جواب "سید؟ خلیل الله هاشمیان" تعویذ نویس!

بنده چندی قبل، از آقای "خلیل الله هاشمیان" مدیر مسؤول مجله "آئینه هاشمیان" چند سؤال مطرح نمودم که باید وی به سؤالات من جواب قانع کننده می داد که نداد، نمی دانم که وی قدرت جواب سؤالهای من را ندارد و یا خود را در کوچه حسن چپ می زند. خبر دارم، چون وی از طفولیت تا این دم در فسق و فساد، جفنگ گفتن و دیگر اعمال غیر انسانی و شرعی آغشته بود و است، وی در اینگونه اعمال شهرت بسزا دارد. در این مورد مجله "آئینه هاشمیان" شاهد ادعای ماست. "هاشمیان" پیش از سالهای ۱۳۵۸ یک فرد بسیار عادی بود، ولی وقتی که وی به امریکا، در اینجا به خاطر پیدا کردن پول مثل "قوی کوشان" مدیر اخبار "امید" شروع به نوشتن یک بولتین نمود که آهسته آهسته آن بولتین وی توسط پول و کمک مادی و معنوی افغانان به مجله یا ماهنامه تبدیل شد، در این وقت یک عده از دانشمندان به خاطر جهاد و آزادی افغانستان به نوشتن مضامین عالی به مجله "هاشمیان" کمک نمودند، اگر خوانندگان توجه کرده باشند در "آئینه هاشمیان" به غیر از نوشته های چند بزرگوار و دانشمند ما که آنها این کار را به خاطر وطن می نمودند و آن مضامین را یکطرف بگذاریم به وضاحت دیده خواهد شد که آن مجله بیش از یک دشنام نامه چیزی دیگری نیست، در این وقت است که "هاشمیان" در بین جامعه افغانی مثل آقای "قوی کوشان" صاحب نام و نشان کاذب می شود. اصلاً اگر به سوابق این شخص هذیان گو و درغگو و ..... نظر اندازی کنیم این شخص مکار به جرم مشهود دزدی و سرقت توسط مارشال "شاه ولی خان" سفیر آنوقت در انگلستان از وظیفه رسمی دولتی منفک گردید. چنانچه خود "هاشمیان" در نوشته های خود و مکتوب رسمی انفکاک خود که مزین به امضاء "شاه ولی خان" سفیر کبیر افغانستان در لندن است، آن مکتوب را شخصاً در اختیار سایت "افغان جرمن انلاین" گذاشت.

"هاشمیان" در مقابل یک سؤال من بلبل وار از ارتباطات خود به آقای "بیرک کارمل، سلیمان لایق، بارک شفعی، نوراحمد نور" و غیره افراد حزب پرچم و از اشتراک خود در مراسم تدفین جنازه مرحوم "میراکبر خیبر" اقرار نمود، چون شخصیت وی از طریق تعویذ نویسی که مسلک آباء و اجداد وی است رشد نموده باید اینگونه شخصیت باشد. اصلاً مجله "آئینه هاشمیان" از پول "بابای ملت" که از روم برای وی داده می شد نشر می گردید، همچنان "هاشمیان" به نام حق الاشتراک از افغانها پول می گرفت که باید نمی گرفت به خاطری که پول چاپ آن از دفتر اعلیحضرت "محمد ظاهر شاه" برایش می رسید، "هاشمیان" هم در صفحه پیش رو و عقب مجله خود عکس اعلیحضرت "محمد

ظاهر شاه" را چاپ می نمود، "هاشمیان" در آن وقت اعلیحضرت "محمد ظاهرشاه" را به نام "بابای ملت" خطاب می کرد، به مجرد که آن چشمه آب سر "هاشمیان" خشک شد یکدم "هاشمیان" به آواز بلند و رسا در سایتهای اینترنتی افغانی به ضد اعلیحضرت شروع به تبلیغات زهراگین نمود و در سایت "افغان جرمن انلاین" اعلان داشت که من، من بعد ظاهر شاهی نیستم، به نظرم اگر یک شخص هذیانگو دروغگو و تعویذ نویس که عمر شان در جفنگ گذشته به جای این که دوست آدم باشد بهتر است که دشمن آدم باشد، چرا به دشمنی اینگونه افراد وزن اشخاص وزینتر می گردد. چون وی همیشه در نوشته های بی مفهوم خود بزرگان ملی را به خاطر عقده های شخصی و بی باکی خود تحقیر و توهین می نماید و می گوید که "ظاهرشاه" و "محمد داوودخان" افراد کم تحصیل بودند.

به هر صورت من از "هاشمیان" در نوشته های قبلی خود دو سؤال نمودم و از وی خواهش نمودم که لطفاً به سؤالات من جواب ارایه نماید که تا حال ارایه ننموده. پدر و کاکای "هاشمیان" در زمان صدارت "محمد هاشم خان" و وزارت دفاع "شاه محمود" خان به حیث اغتشاشگران و کسانی که امنیت کشور را به مخاطره انداخته بودند زندانی شدند، "هاشمیان" در دوران صدارت "شاه محمود خان" در وزارت خارجه مقرر می شود، اول - آیا "هاشمیان" گفته می تواند که به کدام لیاقت، دانش و درجه تحصیل، وی به حیث دیپلمات در مربوطات وزارت خارجه مقرر شد و در آنوقت سوپیه تحصیلی وی چی بود؟

دوم - آیا "هاشمیان" گفته می تواند که سطح و درجه تحصیلی پدر مرحوم شان چی بود، که به حیث ولسوال تقرر یافته بود؟ تاجائی که من و عده زیادی از مردم خبر داریم اجداد "هاشمیان" تمام شان تعویذ نویسان بودند و از این راه امرار حیات می کردند.

این هذیانگو از اصلیسؤالات من طفره می رود و به موضوعاتی تماس میگیرد که در آن موضوعات و مسایل از طرف یک عده دانشمندان محترم به تکرار جوابهای قانع کننده با اسناد داده شده فکر می کنم که این هذیانگو تا به این حال نوشته های مرحوم "عبدالرحمان پژواک" را در مورد قضیه پشتونستان و نقش "داوودخان" خوانده و یا اگر خوانده باشد مغز میکروپ زده شان توان گرفتن آن نوشته ها را ندارد.

در این روزها این شخص هذیانگو تخصص؟ کاذب خود را از زبان شناسی به ژورنالیزم تبدیل نموده که این به ذات خود ناتوانی وی را به اثبات می رساند. مرحوم "محمد هاشم خان" صدراعظم به فامیل وی زیاد کمک نمود ولی راست گفتند که.

### **گرگ زاده عاقبت گرگ شود گر چه به آدمی بزرگ شود.**

"هاشمیان" یک شخص علیل و مریض روانی است. یک شخصی که در چهل سال یکی از افراد مطرح در امور مسایل سیاسی و ملی افغانستان را شناسد و در طول چهل سال به ضد آن تبلیغ سوء نماید چطور می شود که در یکی دو روز وی را بشناسد مطلب شناحت وی از "داکتر صاحب شرق" است، "هاشمیان" دو رویه دروغگو و تغذیه شده تعویذ نویسی چطور توانست یک شب در میان داکتر "محمد حسن شرق" را که وی همیشه در نوشته های خود وی را جاسوس، نماینده کی جی بی و یار غار خطاب می نمود، بشناسد، فاعتبرو یاالابصار. و این دلیل مزخرف وی که می گوید، من پیش وی را نمی شناختم حالا که شناختم وی آدم خوب است؟ لعنت به آن کسی که کسی را شناسد و به ضد او تبلیغات سوء نماید. شرم، شرم، و شرم. به اینگونه افراد بی مسؤولیت.

نمی دانم "هاشمیان" به کدام روی و چشم همراه داکتر صاحب "شرق" هم چشم می شود پس واضح است که این هذیانگو و دروغگوی بی نظیر حیا را نمی شناسد.

ای کاش حیا در بازار فروخته می شد تا من برای این بی چشم، که چشمان ملا عمر را می بوسید می خریدم.

چون وی از طفولیت تا این دم در فساد ، دزدی، جفنگ گفتن شهرت ملی دارد آئینه وی شاهد ادعای ماست که "هاشمیان" کدام شخصیتی نیست که قابل احترام باشد این بیچاره که از برکت تعویذ نوسی تغذیه شده باید اینگونه شخصیت باشد .

فامیل "سید خلیل الله هاشمیان" توسط انگلیس ها به افغانستان فرستاده شده، « در سال ۱۸۸۶ میلادی وقتی که امیر عبدالرحمن خان در افغانستان حکومت‌های محلی را از بین می برد .در آن وقت شخصی به نام "سید محمود پاچا" که خود را حکمران و مالک عام و تام کنر ساخته بود، تاب مقاومت لشکر "امیر عبدالرحمن خان" را آورده نتوانست از کنر گریخت و خود را در دامن بادران خود یعنی انگلیس ها که آنطرف سرحد دیورند بودند انداخت، انگلیس ها به این فامیل ماهوار پول می داد تا آنها را از سرحدات دور نگاه دارد.»

صفحة ۳۳ د کونر ولایت سیاسی او قومی جوربنت /لیکوال شاه محمود میاخیل، سال ۱۳۹۵ ماه اسد.  
حافظ شیرازی می فرماید.

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه که لطف طبع و سخن گفتن دری داند.

۲/۱۶/۲۰۱۷